

تعبیر خواب

خوابگزار: مصطفی گلباری

sooshtraa@yahoo.com

دوستانی که خواب خود را تلگرام می کنند، لطفاً مشخصات خود را کامل بنویسند و مطمئن باشند که خوابها به نوبت در مجله چاپ می شود.



دو یاد آوری مهم درباره تعبیر خوابها: ۱- همه اسامی مستعار است و اگر مشخصاتی که برای بینندگان خواب می نویسم، مانند مشخصات فرد دیگری بود، تصادفی است. اگر کسی می خواهد خوابش چاپ نشود، حتماً تأکید کند که چاپ نشود! **۲-** دوستانی که برای تعبیر خواب خود تلفن می کنند، لطفاً فقط یکشنبه ها و سه شنبه ها **بین ساعت ۱۵ تا ۱۷ با شماره ۲۹۹۳۳۳۴ تماس بگیرند** و خواهش می کنم شماره های دیگر مجله را اشغال نکنند.

هشدار مهم: خواب خود را قبل از این که برایتان تعبیرش کنیم، برای کسی تعریف نکنید زیرا شاید در خواب شما رازهایی باشد که وقتی که تعبیرش را نوشتم، کسانی که خواب را از خودتان شنیده باشند، خواهند فهمید آن رازها مال شماست و خوشتان نیاید.

راز کلیدهای کوپک

محسنه جاری، ۲۷ ساله، فعلاً متأهل، بیکار، کردستان ایران

سه سال است عقد کرده ام. همسرم ۲۸ ساله و دانشجویست. نشش ماه است خبرش را ندارم. به قول خودش تقاهم نداریم و اصرار می کند جدا شویم. رفته بودم زیارت امام رضاع (ع). دعا کردم مشکلات حل شود. سر نماز از امام خواستم اگر حرفم را شنیده، در خواب نشانه ای به من بدهد. خواب دیدم در خیابان بودم. یکی از اقوام دور همسرم که خانمی است همسن من و تازه ازدواج کرده، داشت بادوچرخه و یک نوزاد رد می شد. گفتم نازنین چرابادوچرخه میری؟ خطرناکه. بچه رو بده به من. داد و رفت. در آن خیابان المانهای طلائی بود، مثل قوری و اینچور چیزها. بزرگ و زیبا بودند. جمعیت زیادی مثل دسته هیأت راه می رفتند. می گفتند واسه محرمه. بعد دیدم در خانه مرحوم خاله هستم. اقوام هم بودند. وسایل به هم ریخته بود. گفتم کمک کنم؟ گفت نه! بعد که همه رفتند، به من گفت صبر کن کارت دارم. مرا به گوشه ای برد و بغلم کرد و پرسید این پسر اذیتت می کنه؟ گفتم نه... همه چی درست میشه. گفت الکی نگو خودم خبر دارم. بعد مشت خودش را باز کرد. دو تا کلید کوچک به حلقه وصل بود. دو تا پلاک مستطیل داشت. اولی سنگ مرمر بود که رویش صلوات بود. قابش طلا بود. پلاک دومی طلائی کامل بود با آیه های ریز. گفت اینا مال توئه. گفت هر وقت رفتن متوجه میشی چکار کنی. گرفتم آدمم بیرون. پسر عمه و پسر دایی من که با همسرهایشان متار که کرده اند، روی پله های خانه اش نشسته بودند. من هم نشستم و حرف زدیم. پسر عمه ام آدم بذله گویی است. شوخی می کرد و می خندیدیم. بیدار شدم.

تعبیر:

خواب شما نماد دلتنگی شماست و نماد اینکه ناامید هستید. احساس ضعف و عدم اعتماد به نفس هم دارید. گرفتن بچه از آن فامیل دور شوهر، به معنی جلب محبت است با سرویس دادن و کمک کردن و این یعنی حس می کنید طرد شده اید و کسی شما را درک نمی کند. و شما برای جلب محبت

فوش به حالت باین پسر!!

علی نفرزاده، ۱۵ ساله، دانش آموز، سبزوار

خواب دیدم بالای برج میلاد بودم. تمام فامیلهام و دوستانم از پایین مرا نگاه می کردند. دبیر ریاضی من به پدرم گفت به این بچه افتخار کن. پدرم گفت چه افتخاری؟ ... و ورقه ریاضی مرا نشان داد. دبیرم گفت می تواند پرواز کند. یکهو من از بالای برج پریدم و روی سر آنها پرواز کردم و چند بار دور زدم. همه دست می زدند و به پدرم می گفتند خوش به حالت چه پسر موفقی داری... بیدار شدم.

تعبیر:

از این خواب معلوم می شود ریاضی و شاید برخی از درسهای شما خوب نباشد. ضمناً پدری دارید که زیاد سر کوفت می زند. [گفت قسمت اول

و حمایت دیگران کوششها کرده اید حتی دست به دامان درگاه امام رضا (ع) شده اید. خود بچه هم گاهی نماد مشکلات و دردمس است و این هم یعنی خودتان قبول مشکل کرده اید. برای مثال سه سال پیش می توانستید سر

سفره عقد ننشینید.

المانهای طلائی و نمادهای محرم هم به معنی دلتنگی و افسردگی شماست. اگر حالتان خوب بود احتمالاً خواب مولودی و نیمه شعبان و عید فطر و... می دیدید. غصه باعث شده خواب ایام سوگواری را ببینید. در خانه مرحوم خاله بودن و درهم ریختگی وسایل هم نماد اندوهگینی شماست. او کمک شما را رد می کند که می تواند به این معنی باشد که تو خودت به کمک نیاز داری و ذهنت آشفته و درهم ریخته است. در خلوت شما را بغل می کند و می پرسد این پسر ه...!

بغل کردن نماد تنهایی و نیاز به محبت است. در خلوت سؤال می کند چون شما در آشکارا از مشکلات خودتان و همسرتان حرفی نمی زنید. حتی در خلوت خواب هم گفتید اذیت نمی کند و همه چیز درست می شود. گمان کنم شما از آنها بی هستید که صورت را با سیلی سرخ می کنند. خاله هم این را می فهمد و می گوید از همه چیز خبر دارم و شاید خانواده و اطرافیان هم باخبر باشند اما چون شما قایم می کنید، به روی خودشان نمی آورند. خواب شما از اینجا به بعد همان نشانی است که حضرتش به شما داده: دو تا کلید با دو تا پلاک. یکی صلوات دارد یکی آیه. که هر دو باعث آرامش می شوند: **الَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ!** و این یعنی اول دنبال آرامش بروید تا این کلیدها کارساز شوند و مشکل را باز کنند. در این مسیر دو نفر از افراد فامیل را می بینید که متار که کرده اند. شما هم کنارشان می نشینید و می گوید و می خندید.

آیا به این معنی است که خلاصی شما از غم و غصه در متار که است؟ کلید به حلقه دسته کلید وصل است. خاصیت چنین حلقه ای این است که نمی گذارد کلید بیرون بیفتد ولی اگر کلید توی حلقه بچرخد، از حلقه بیرون می آید. یعنی هم نگاه دار است هم نیست... به شما پیشنهاد می کنم مشکل خودتان را با مشاور در میان بگذارید.

حرفتان درست است اما پدرم خیلی ملایم و مهربان است. کسی که زیاد سر کوفت می زند، مادرم است. نمی دانم چرا پدرم در خواب مثل او شده بود. [دلیلش این است که در خانه رئیس است و حتی پدرتان را هم سرزنش می کند و چون در ذهن شما این تفکر هست که پدر باید رئیس باشد، در خواب رفتار مادرتان در قالب پدرتان متجلی شده بود. این خواب به دلیل همان سر کوفته است. معمولاً کسانی که در خودنمایی های بیداری ضعیف هستند و حس می کنند چیزی برای عرضه و افتخار ندارند، در خواب پرواز می کنند و دیگران برایشان دست می زنند. شما برای جبران کاستیهای درسی و چیزهای دیگر، به رؤیا می روید و خود را نوجوانی استثنائی تصور می کنید. پیشنهاد می کنم از رؤیاپردازی دوری کنید و به فکر تکمیل کردن کاستی های خود باشید. رؤیاپردازی باعث می شود از موفقیت عقب بمانید.